

جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

پرچم جمهوری جهان

فرهنگستان



حانیه قاسمیان

خیرنگار گریه جهان‌شهر

انتخابات آمریکا حال‌دیگر بیش از هر لحظه‌ای در تاریخ کوتاه‌مدت این کشور، ششیه به یک فیلم وسترن شده‌است؛ کم‌عمق، پرخاشگرازه و اندکی مبتذل! از دوبرین جهان، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مانند یک اتوبوسی پراز هواداران پرخاشگر و خشن و خطرناک فوتبال است.

در وضعیتی که شهروندان آمریکایی، بحران‌های اقتصادی و معیشتی را‌انگیزه مشارکتشان درانتخابات اعلام کرده‌اند، چندروزگی است‌که خبر اول رسانه‌های جهان دربارهٔ انتخابات آمریکا به یک کلید واژهٔ محدود شده‌ است: زباله! بایدن –عمدا یا سهوا- هواداران ترامپ رااشغال خطاب می‌کند و از سوی دیگر ترامپ کمپین چندمیلیون‌دلاری انتخاباتی‌اش رابرروی همین کلیدواژهٔ متمرکز می‌کند! استفاده از ناسزا ووضعیت درقطعی در کمپین‌های انتخاباتی در آمریکا خصوصاً سال‌های اخیر، امر تازه‌ای نیست اما ابتذال در این دوره از انتخابات وارد مرحله جدیدی شده‌ است؛ وضعیتی که انعکاس جامعهٔ کم تاریخ و فسق‌فودی آمریکاست. انگار گوش آمریکایی‌ها به شنیدن ناسزاهای رکیک مستعمل در خیابان‌ها از زبان کاندیداهاپیشان عادت کرده‌ است. گوش آمریکایی‌ها مدت‌هاست که هنگام شنیدن فحش‌های رکیک رنگ نمی‌خورد؛ همانطور که چشمشان نیز به خشونت و حمل اسلحه و تیراندازی عادت کرده‌ است.

فحش، نقل کمپین‌های انتخاباتی

هفته‌گذشته، زمانی‌که تیم‌والترز، معاون هریس درتجمع‌ی در شهر مدیسون ایالت ویسکانسین حاضر شد، مجموعه‌ای از جملات ناسزا را به زبان آورد. والترز گفت: «ایلان ماسک، کارآفرین میلیاردو دحامی جدید ترامپ، روی صحنه می‌پرد، مثل یک آدم خل وچل بالا و پایین می‌پرد. جمعیت خندید، اما به نظر نمی‌رسید تعجب کرده باشند. بمشل گولده، ستون نویسن نیویورک تایمز در این باره نوشت: «آن روزهایی که شنیدین فحش و ناسزا از میکروفون موجب شوکه شدن مردم می‌گشت، دیگرم گذشته‌ است.»

در چرخه‌های انتخاباتی به‌شدت تفرقه‌افکنانه آمریکا، بسیاری از «هفت‌کلمه‌ای

که هرگز نمی‌توان در تلویزیون گفت»، که جرج کارلین، کم‌دین مشهور، به آن اشاره کرده بود، اکنون در تلویزیون، کمپین‌ها، تجمعات و حتی در تبلیغات

استفاده می‌شوند. به عنوان مثال، در تبلیغی که آخر هفته از سوی «آمریکا پک» ماسک منتشر شد، کامالا هریس به‌طور شوخی آمیز بارها با عنوانی بسیار زشت خطاب می‌شود. البته‌این‌کلمه در تبلیغ به‌معنای کم‌نوئست است، اما به‌توجهی

زشت نسبت به زنان اشاره دارد.

باربارا پری، استاد علوم سیاسی و رئیس برنامه تاریخ شفاهی ریاست جمهوری در مرکز میلر دانشگاه ویرجینیا در یادگستی اشاره کرده‌ است: «عادی شدن فحش‌ها، نتیجه مستقیم بی‌ادبی در گفتار تند‌خویی در فضای عمومی است.» البته این بی‌ادبی در گفتار عمومی چیز جدیدی نیست و در سراسر رسانه‌ها، از تلویزیون گرفته تا رسانه‌های اجتماعی، مشهود بوده و طبیعتاً به‌گفتمان سیاسی آمریکا نیز راه یافته‌ است. کارشناسان خطابه سیاسی می‌گویند که آنچه از نظر مردم آمریکا قابل قبول بود تغییر کرده‌ است. به‌گفتهٔ دریک گرین، رئیس دیپارتمان ارتباطات در دانشگاه مسیحی سداوریل اوهایو در نشریه نیوزویک، «این فقط در عرصه سیاسی نیست، کلماتی که قبلاً در برنامه‌ها یوق یا سانسور می‌شدن، دیگر سانسور نمی‌شوند. آنچه را که پنج، ده یا پانزده سال پیش فحش می‌نامیدیم، حالا دیگر به آن شکل فحش به حساب نمی‌آید.» هر دو رئیس جمهور– فعلی و سابق– آمریکا، بایدن و ترامپ در محافل خصوصی به استفاده از فحش معروفند،

اما این ترامپ بود که استفاده از ناسزا را در سیاست به سطح تازه‌ای رساند.

کارشناسان آمریکایی به‌نوار معروف هالیوود اکسس اشاره کردند که در آن ترامپ، زمانی که مجری برنامه «کارآموز» در آن بی‌سی بود، از کلمات بسیار زشتی استفاده می‌کرد. از آن زمان، نمونه‌های زیادی از استفاده عمومی او از ناسزا، در داخل و خارج از دفتر، دیده شده، مانند زمانی که در سال ۲۰۱۸ کشورهای هائیتی، السالوادور



رقابت بین هریس و ترامپ به جاهای باریکی کشیده شده‌ است، ترامپ دوباره از تقلب در انتخابات

زباله، دال مرکزی انتخابات آمریکا

و کشورهای آفریقایی را با توصیف بسیار زشتی نام برد. او دو هفته پیش نیز در

تجمع‌ی در پنسیلوانیا، هریس را یک بارکی توصیف بد معرفی کرد.

در نظرسنجی‌ها اما نشانی از ناراضیاتی از این ابتذال و ناسزاگویی کاندیداها نیست. به نظر می‌رسد که تنها مسئله جامعه آمریکا این است که ناسزای استفاده‌شده به اردوگاه سیاسی خودشان اصابت نکند. اما اگر این ناسزا برای حریف باشد، جمله قصار است و ایرادی ندارد.

بارباراپری، استاد دانشگاه ویرجینیا در این رابطه می‌گوید: «این بی‌ادبی در گفتمان که ترامپ به آن دامن زده، به نظر نمی‌رسد دلیلی باشد که مردم به او رأی ندهند.» ترامپ نه تنها قواعد را برای خود تغییر داد، بلکه نحوه نمایش سیاستمداران را نیز دگرگون کرد. به گفتهٔ گرین، «او خود را به‌عنوان یک فرد معمولی معرفی کرد که برای ریاست جمهوری کاندیدا شده و این همان شباهت‌های است که افراد معمولی صحبت می‌کنند. ابده اینکه برای یک سیاستمدار قابل قبول باشد که خود را به‌عنوان «من فقط یک آدم عادی هستم» معرفی کند. دیگر بحث بر سر شبنه بودن به رئیس جمهور بودن نیست. فضای سیاسی مبتذل‌تر شده‌ است.» البته موارد متعددی در تاریخ مردن ریاست جمهوری وجود داشته‌ که رئیس جمهور آمریکا از فحش استفاده کرده‌ است. پری اشاره می‌کند که رئیس جمهور، ریچارد نیکسون، در نوارهای واترگیت از فحش استفاده می‌کند. میکروفون‌ها همچنین بوش را در حال خطاب به یک خبرنگار نیویورک تایمز به‌عنوان «آدم عوضی درجه یک»، شکار کردند.

قابل ذکر است که نامزد‌های زن تمایل کمتری به ناسزاگویی در مسیر کارزار دارند. اگرچه به‌گفتهٔ فاکس نیز هریس به استفاده از ناسزا در پشت درهای بسته معروف است، اما اکنون در این کمپین هیچ فحشی از او شنیده نشده‌ است. همچنین، هیلاری کلینتون – که او نیز در محافل خصوصی به استفاده از فحش معروف است – مراقب بود که در رقابت برای ریاست جمهوری، از به کار بردن فحش خودداری کند. با این حال، ناسزاگویی در میان سیاستمداران زن آمریکایی نیز زیاد است، گرچه با بسامد کمتر در مقایسه با مردان.

سیاستمداران آمریکایی از دیرباز فحش می‌دادند، اما تا همین اواخر فحش‌های آنان از طریق سخنرانی‌های رسمی وارد سوابق عمومی نشده بود. ورود ناسزا در عریان‌ترین حالت خود در کمپین‌های انتخاباتی ۲۰۲۴، نشانه عمق نفوذ ابتذال از عرصه عمومی جامعه آمریکا به عرصه سیاسی است.

بریزید تو خویابونا

طبق نظرسنجی ملی انجام شده در ژوئن توسط رابرت پیپ، استاد دانشگاه شیکاگو و مدیر پروژه شیکاگو برای امنیت و تهدیدات، حدود ۱۰ درصد از بزرگسالان آمریکایی مردن نظرسنجی (که یک سوم از آنان صاحب اسلحه بودند) موافق بودند که استفاده از زور برای جلوگیری از ریاست جمهوری دوباره دونالد

ترامپ قابل توجیه است. همچنین ۷ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی (که نیمی از آنان صاحب اسلحه بودند) اعلام کردند که از زور برای بازگرداندن ترامپ به ریاست جمهوری حمایت می‌کنند. خشونت سیاسی به‌معنای اعمال خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی است. خشونت انتخاباتی به‌عنوان نوعی مهم از خشونت سیاسی شامل اقداماتی برای فشار، تهدید یا آسیب جسمی به‌منظور تأثیرگذاری بر فرایند انتخاباتی یا نتایج انتخابات است. این نوع خشونت همچنین شامل تاش‌هایی برای اختلال در روند رأی‌گیری، اعتراض به نتایج انتخابات یا سرکوب اعتراضات علیه نتایج انتخابات می‌شود. در نظرسنجی سال ۲۰۲۳ که توسط مؤسسه نظرسنجی PRRI در آمریکا انجام شد ۲۳ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که ناسیونالیست‌های آمریکایی ممکن است برای نجات کشور ناچار به استفاده از خشونت سیاسی شوند که نسبت به ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش قابل توجهی داشت. خشونت سیاسی و قطب‌بندی سیاسی یک چرخه معیوب را شکل داده که بیانگر معضل سیاسی کنونی آمریکا و بحران بزرگ در حکمرانی ملی این کشور است.

اول، قطب‌بندی سیاسی به‌معنای فاصله‌گرفتن از ارزش‌ها، باورها و ایدئولوژی‌های لیبرال‌ها و محافظه‌کاران در طیف سیاسی آمریکا است. هر دو جناح معتقدند که باورهای حزب مقابل کاملاً متفاوت از آنهاست و حاضر به سازش نیستند. در

شدیدترین حالت‌ها درگیری‌ها به نقطه ناسازگاری کامل می‌رسد. شکاف بین این دو جناح در مسائلی همچون سقط جنین، مهاجرت و حکمرانی دولتی به‌وضوح دیده می‌شود. شیطان‌پرداری مخالفان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های قطب‌بندی سیاسی است.

دوم، قطب‌بندی سیاسی تأثیر عمیقی بر سیاست‌های انتخاباتی و فرایند قانون‌گذاری در آمریکا گذاشته‌ است. هر جناح بر این باور است که پیروزی حزب مقابل تهدیدی برای باورها، ارزش‌ها و منافع آنهاست و باید با تمام توان از پیروزی آنها جلوگیری کرد. در فرایند رقابت سیاسی منافع عمومی و ملی اکثریت مردم با منافع حزبی محدود جایگزین می‌شود.

سوم، قطب‌بندی سیاسی به‌نوعی خشونت سیاسی تبدیل شده‌ است و نشان می‌دهد تعداد بیشتری از مردم جامعه آمریکا که از سیاست‌های دموکراتیک کشور ناامید شده‌اند بر این باورند که خواسته‌ها و نگرانی‌های آنها نمی‌توانند از طریق قانون‌گذاری یا انتخابات برآورده شود. از این رو، به‌راه حل‌های خشونت‌آمیز روی می‌آورند. حامیان ترامپ عمدتاً از مذهب متوسط و پایین جامعه هستند که در کشور احساس حاشیه‌شبنی می‌کنند و از جایگزینی مسطح مهاجران هراس دارند. در مقابل، حامیان بایدن و دموکرات‌های لیبرال، ترامپ و طرفداران او را تهدیدی برای ارزش‌ها و نهاد‌های دموکراتیک آمریکا می‌دانند. با توجه به اینکه نتایج انتخابات تأثیر مستقیمی بر آینده آنان دارد افراد بیشتری از هر دو حزب استفاده از خشونت سیاسی را توجیه می‌کنند.

ریشه اصلی قطب‌بندی و خشونت سیاسی را می‌توان در اقتصاد کاپیتالیستی و شکاف عمیق قی فراق و ثروتمندان و ناامیدی از تغییرات اجتماعی در جامعه آمریکا جست‌وجو کرد. افزایش فاصله بین ثروتمندان و فقرا عامل اصلی مشکلات بزرگ اجتماعی در آمریکا از جمله قطب‌بندی سیاسی، خشونت با اسلحه، خشونت سیاسی و تبعیض نژادی است. در کنواسیون‌های ملی آمریکا هر دو حزب اصول برنامه‌های انتخاباتی خود را اعلام کردند اما نه گروه‌های قدرت و نه نمایندگان سیاسی در آمریکا علاقه‌ای به برنامه‌های واقعی اصلاحات اجتماعی و توزیع مجدد ثروت ندارند. انتقال تعارضات داخلی آمریکا به دیگر نقاط جهان و تشدید قطب‌بندی ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها از جمله استراتژی‌هایی است که گروه‌های قدرت در آمریکا برای مقابله با تغییرات اجتماعی بنیادی اتخاذ کرده‌اند. ایان برور، کارشناس سیاسی و رئیس اندیشکده مطالعات اوارسیا می‌گوید: «در نگاه به آینده اگر آمریکائیان وضعیت فعلی قطب‌بندی سیاسی را تغییر ندهد، احتمالاً خشونت سیاسی تشدید شده و چرخه معیوب میان این دو ویدیده وخیم‌تر خواهد شد.» او همچنین هشدار داده که خشونت‌های سیاسی و بی‌ثباتی‌های اجتماعی بیشتری در انتظار آمریکا است.

جامعه قطبی

تجمع دونالد ترامپ در میدان مدیسون نیویورک سیتی در روز یکشنبه ۲۷ اکتبر از سوی نیویورک تایمز به‌عنوان «کارناوالی از ناراضیانی‌ها، زن ستیزی و نژادپرستی» توصیف شد. این رویداد که تنها کمی بیش از یک هفته پیش از انتخابات برگزار شد فضایی پر تنش و جناحی داشت. ترامپ بار دیگر تا یکید کرد یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات آمریکا از «دشمن داخلی» ناشی می‌شود. او همچنین روز پنجشنبه سی‌ام اکتبر در توییته بار دیگر از تقلب در انتخابات با اشاره به ایالت نوسانی پنسیلوانیا گفت. اشاره مکرر ترامپ از احتمال تقلب و تحریک هوادارش برای اعمال خشونت، سایه‌ای اطلوئی دارد. سخنان ترامپ دربارهٔ تقلب و همچنین استفاده‌اش از ناسزایمادامی از قطبی شدن روزافزون فضای سیاسی ایالات متحده است؛ فضایی که در آن خصومت یک‌گروه نسبت به دشمنان فرضی‌اش از طریق شبکه‌های اجتماعی تقویت می‌شود. با این حال، اشاره ترامپ به یک «تهدید» موزیانه، حاکی از جریان‌ی فتنه‌ناک و پنهان از تقریباً است که احتمال بروز خشونت را در پی دارد. در نظرسنجی دانشگاه شیکاگو که نشان‌دهنده سطح خشونت و امکان آشوب خیابانی پس از انتخابات آمریکا است؛ حمایت نزدیک به ۷۰ درصدی از اعمال خشونت برای به قدرت رسیدن ترامپ می‌تواند شمایل یک فردی ترسناک پس از اعلام نتایج ارتسیم کند. دو ماه قبل از این نظرسنجی یک نظرسنجی دیگر که توسط همین دانشگاه انجام شده بود نشان داد ۴۷ درصد از

آمریکایی‌ها معتقدند که احتمال وقوع یک جنگ داخلی دیگر در طول عمرشان وجود دارد. طبق گزارشی از جنیم‌هاوس، آمریکا اکنون بیش از هر زمان دیگری از دهه ۱۸۵۰ به این سو، «بر اساس خطوط ایدئولوژیک و سیاسی» دچار تفرقه شده‌ است. همچنین به گزارش مرکز سیاست خارجی بریتانیا، آمریکایی‌ها «به‌طور فزاینده‌ای از حامیان حزب مخالف بیزارند و قدرت گرفتن آنها را نه فقط ناگوار، بلکه نامشروع می‌دانند.» آمریکایی‌ها اغلب ترجیح می‌دهند در میان افرادی با دیدگاه سیاسی مشابه زندگی کنند و در کار و معاشرت تمایلی به ارتباط با هواداران حزب مخالف نشان نمی‌دهند. این دیدگاه‌ها به وضعت یک جامعه بیمار و دچار به فرقه‌گرایی اشاره دارند. کسانیکه فرقه‌گرایی را در جهان دیده‌اند به خوبی از آشوب‌هایی که چنین تفرقه‌هایی ایجاد می‌کنند، آ‌گاهند. به‌راحتی می‌توان در چشم‌انداز سیاسی آمریکا فرم‌های رقابتی از آنچه رویینگ هاو، نظریه‌پرداز اجتماعی «اقتدارگرایی معرفی» می‌نامد را دید: حس قطعی و صفر و یکی که پذیرای دیگری نیست. این همان فرمولی است که سنگ‌بنای اکثر بحران‌ها و آشوب‌های داخلی در کشورهاست.

اعتراضات و ضداعتراض‌ها چه در خیابان‌ها و چه در فضای آنلاین دربارهٔ مسائلی چون حق سقط جنین و قوانین سلاح رخ داده‌ است. سیاستمداران و کارآفرینان نیز با سرمایه‌گذاری بر این اختلافات در طرف‌های مخالف قرار گرفته‌اند تا حمایت‌ها را به خود جذب کنند. برای مثال ادعاهای نادرست ترامپ درباره اینکه ایالت‌های دموکرات نوزادان را پس از تولد اعدام می‌کنند یا اینکه مهاجران در اسپرینگفیلد اوهایو حیوانات خانگی می‌خورند، سریع‌آر شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند؛ بدون آنکه صحت آنها اهمیت داشته باشد. برای هواداران آمریکایی حقیقت کمتر از توانایی دفاع از موضع‌شان در یک موضوع خاص اهمیت دارد. موضع‌گیری جوامع سیاسی نیز روز به روز بیشتر جدلی و قابل پیش‌بینی می‌شود. افزایش اهمیت سیاسی هویت‌های اجتماعی و مسائل اجتماعی در سال‌های اخیر، فضایی ایجاد کرده‌ است که در آن تفاوت‌ها ذاتاً خصمانه و دوقطبی تلقی می‌شوند. در چنین فضایی نارضایتی به ابزار برای تقویت انسجام درونی و بیابری از «دیگری» تبدیل می‌شود. در این چشم‌انداز جامعه به گروه‌های متقابل بی‌اعتماد از یکدیگر تقسیم می‌شود که بر اساس نوعی قطبی سازی احساسی از هم جدا شده و این قطبیت رنگ‌وبوی سیاسی به‌خود می‌گیرد. اینجابه‌جدا احساسی کلیدی است. ژولیه‌امین احساسات پایه‌گذار دشمنی سیاسی و اجتماعی‌اند. به عنوان مثال تصمیمات حکومتی در موضوعات بحث برانگیزی مانند قوانین مهاجرت، توانایی بسیج جامعه را به‌صورت چشم‌گیری در هر دو جناح چپ و راست دارد. تفاوت‌های ریشه‌دار انتخابات اغلب عدم اطمینان و تفرقه‌انگشده می‌کنند. همان‌گونه‌که انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا و پیامد‌های آن نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های «گروه تحلیل وقایع و دگرگیری‌های مسلحانه» (Acted)، تظاهرات و فعالیت‌های راست افراطی حول انتخابات ۲۰۲۰ به اوج خود رسید و در وقایع ۶ ژانویه ۲۰۲۱ که هواداران ترامپ به کنگرهٔ آمریکا یورش بردند، به سطح تازه‌ای دست یافت.

در واقع اکثریت زیادی از مردم بر این باورند که انتخابات هفته آینده مشکلات آمریکا را حل نخواهد کرد. در نظرسنجی که اخیراً انجام شده است، ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند اوضاع آمریکا در «مسیر اشتباه» قرار دارد؛ دیدگاهی که بیشتر در میان پاسخ‌دهندگان جمهوری خواه (۹۴ درصد) نسبت به دموکرات‌ها (۴۱ درصد) رواج دارد. همچنین ۱۹ درصد از جمهوری‌خواهان معتقدند که اگر ترامپ در انتخابات شکست بخورد باید نتایج را بطلان اعلام کرده و هر اقدامی لازم است برای به‌دست‌گرفتن قدرت انجام دهد. شکاف‌های موجود در ایالات متحده واقعی بوده و به‌راحتی قابل ترمیم نیستند. با افزایش تب‌وتاب انتخاباتی این روایت‌های تفرقه‌افکنانه همچنان در حال گسترش‌اند و شکاف‌های جامعه آمریکا را عمیق‌تر می‌کنند. فرقه‌گرایی به چهارچوب اصلی برای تحلیل زندگی سیاسی و اجتماعی تبدیل شده‌ است. این وضعیت ممکن است بلافاصله پس از انتخابات به خشونت منجر نشود اما می‌تواند به‌راحتی در جامعه آمریکا ریشه‌دار شود. به اعتقاد تانالی سوتر، روزنامه‌نگار آمریکایی: «حذف خصمانه «دیگری» در همه‌اشکال و تمایل روزافزون به نقض منجرها و قواعد یک‌گام‌مانده به سقوط اجتماعی است؛ وضعیتی که جامعه آمریکا باید برای آن فکری کند.»

پایان بازی نزدیک است؛ آمریکایی‌های مضطرب ناخن‌های خود را می‌چونند!

مبارزه می‌کند؟ با توجه به این که هر دو نامزد به این مردان سیاه‌پوست چشم دوخته‌اند، آنها هرگز تا به این حد احساس خواستنی بودن را تجربه نکرده‌اند، بنابراین در سایه چنین توجهی به امیدها و رؤیاهای خود بپرداخت‌اند.

۳) جمهوری خواهانی که برای رأی دادن به ترامپ باید دماغ خود را بگیرند؛ اینها حامیان نیکی هیلی‌اند که ممکن است کمی احساس درماندگی کنند. مرکز تحقیقات پیسو به این موضوع پی برده که پایه حمایتی نیکی هیلی از ۱۱ درصد در سال گذشته، به ۱۸ درصد در سال جاری افزایش یافته‌ است.

درحالی‌که هریس نمی‌خواهد هیلی برای او بازی کند، او جمهوری‌خواهان برجسته‌ای مانند لیز جنی – دختر دیک جنسی جمهوری خواه و معاون سابق رئیس جمهور– جیمی مک‌کین– پسر جان مک‌کین نامزد سابق و جمهوری خواه ریاست‌جمهوری – و گروهی از کارمندان سابق ترامپ و دیگران را به خدمت گرفته تا در جهت ترغیب جمهوری خواهان دماغ گرفته به ترک حزب و پیوستن به مخالفان، تمام تلاش خود را به‌عمل آورد.

آمریکایی‌ها مضطربند!

اکنون بیابید یک بار هم چیز را خلاصه کنیم؛ استدلال پایانی هریس به طور موزان این است: «ترامپ یک فاشیست است. من ترامپ نیستم.» بحث نهایی ترامپ هم این است: «او یک چیزی دارد اما او و هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند بگوید آن چیست؛ چرا که او از خودگویی به‌بیچ‌وخم‌های دیگری می‌رود.» در نهایت ما به اینجا رسیدیم؛ قد‌نمذترین ملت جهان که به طور جمعی ناخن‌هایشان را می‌چوند. کامالا هریس بدل که با بازی بازیگر برجسته مایا رودولف نقش آفرینی شده‌ است؛ طنزی تسکین‌دهنده‌ای است که در برنامه هفتگی امداد طنز، شنبه‌شب در بخش زنده‌روی صحنه می‌آید باطنزی از زاویه دید ترامپ؛ در جایی که او در یک گرد‌همایی سیاسی ۳۹ دقیقه‌ای براساس لیست پخش موسیقی موردنظرش بیچ‌وناب می‌خورد، درحالی‌که اطرافیان او متعجبند که اینجا چه خبر است. درهرحال، اگر اکثر مؤسسات آمریکایی، مانند مک‌دونالد به حکومتی مثل ترامپ فرصت سوز میسب‌زینمی‌سرخ‌کرده‌ و قبل از سپری کردن محکومیتش با بدهند، شاید سوسیالیست‌های آزاده‌اشته باشد. صرف‌نظر از این چند نکته امیدبخش، آمریکا اکنون به پرتگاهی خیره مانده، درحالی‌که خود را برای دو احتمال آماده می‌کند؛ یک مجرم به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌شود یا انتخاب نمی‌شود؟ البته نزدیک به نیمی از کشور آرزوی چنین اتفاقی را دارند.